

تغییر ماهیت جمعیت‌های زنان، از آغاز تا سازمان زنان

حمیرا رنجبر عمرانی

آنچه در طول چندین دهه پس از انقلاب مشروطه بر جامعه ایران گذشت سبب ایجاد نهادها و سازمان‌های جدیدی شد که بنا به اقتضای تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگ زمان شکل گرفتند. جمعیت‌های زنان یکی از همین نهادها بود. واکنش‌های اجتماعی در طول حرکت‌های مشروطه‌خواهی سبب شد زنان از پرده حرم به صحنه اجتماع کشیده شوند.^۱ و در برخی از وقایع دستگیر و زندانی شوند.^۲ پس از به سلطنت رسیدن محمدعلی شاه، با اوجگیری مشروطه‌خواهی، زنان در درگیری‌های خیابانی کشته شدند؛ و تنها پس از کشته شدن آنها بود که مشخص شد زن بوده‌اند.^۳

به این ترتیب، نخستین رویکرد زنان به فعالیت‌های اجتماعی، به صورت سازماندهی شده و هدفمند در حرکت‌های مشروطه‌خواهی نمود یافت و تا جایی ادامه پیدا کرد که تعجب بسیاری از افراد را برمی‌انگیخت.^۴

از طرف دیگر، طرح آموزش عمومی منطبق بر الگوهای آموزش غربی عامل دیگری در دگرگون سازی فضای فکری و فرهنگی زنان شد. این طرح ابتدا از سوی هیئت‌های مذهبی در جامعه اقلیت‌های مذهبی آغاز شد که دختران مسلمان در آن راه نداشتند.^۵ پس از مدتی، به پیشنهاد بنجامین وزیر مختار آمریکا و موافقت ناصرالدین شاه، اولین گروه دختران مسلمان وارد مدرسه فرانسوی تهران شدند.^۶ به تدریج بر تعداد این مدارس

۱. احمد کسروی تبریزی. تاریخ مشروطه ایران. تهران. امیرکبیر. ۱۳۶۹. ص ۹۷.

۲. حمید سیاح. خاطرات حاج سیاح. تهران. امیرکبیر، ۱۳۵۶. ص ۳۴۷.

۳. م. پ. پاولویچ. سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران. ترجمه م. هوشیار. تهران، بی تا. ۱۳۲۰. ص ۵۵.

۴. مورگان شوستر. اختناق ایران. ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری. تهران، نشر کاویان، ۱۳۴۴. ص ۲۲۸.

۵. غلامرضا انصاف‌پور. قدرت و مقام زن در ادوار مختلف تاریخ. تهران، شرکت مطبوعاتی عطایی، ۱۳۵۳. ص ۴۲۵.

۶. بدرالملوک بامداد. زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید. تهران. امیرکبیر، بی تا. ص ۴۵.

افزوده شد. البته، در بسیاری از موارد، حضور دختران در مدارس با مخالفت‌های شدیدی مواجه شد تا جایی که عده‌ای به ویران کردن مدارس نیز اقدام کردند.^۷ اما این جریان همچنان ادامه یافت.

مهم‌ترین خصیصه مدارس دختران، حضور دختران بدون حجاب بود و مدرسی که دختران را با حجاب می‌پذیرفتند بسیار کم بودند. تأسیس مدارس دخترانه اگرچه آگاهی و دانش زنان را در زمینه‌های مختلف ارتقا داد، اما گروه‌های فارغ التحصیل، اغلب، دختران و زنانی بودند که از الگوهای آموزش به شیوه غربی تأثیر بسیاری پذیرفته بودند. این گروه پس از اتمام تحصیل مدارس دیگری را تأسیس کردند و یا پایه‌گذاران جمعیت‌های زنان شدند. لازم است اشاره کنیم که رهبران یا مؤسسان جمعیت‌ها و مدارس، اغلب، زنان منسوب به خانواده‌های فرهنگی یا رجال سیاسی و اشراف بودند.^۸ جمعیت‌های مذکور عموماً به وسیله مطبوعات همفکر همان دوره حمایت می‌شدند و یا مؤسسان جمعیت، مدتی پس از تأسیس، اقدام به انتشار روزنامه می‌کردند. به این ترتیب، افکار حاکم بر هر جمعیت از طریق مطبوعات، در جامعه بازتاب می‌یافت.^۹

فعالیت جمعیت‌های زنان، در مراحل نخست شکل‌گیری، منحصر بود به اقدامات خیریه، تشکیل کلاس‌های سوادآموزی یا خیاطی.^{۱۰} اما این جمعیت‌ها در زمانهای خاص و بنا به اقتضای موقعیت‌های سیاسی حساسیت‌های خود را نیز نشان می‌دادند؛ به عنوان مثال، انجمن نسوان، شرکت خیریه خواتین ایران، انجمن همت خواتین، و اتحادیه نسوان، در زمان اولتیماتوم روسیه، تظاهرات گسترده‌ای را در مخالفت با سیاست‌های این کشور در ایران برپا کردند که در زمان خود بسیار تأثیرگذار شد.^{۱۱} لازم است اشاره کنیم که جمعیت‌های زنان در نخستین سال‌های فعالیت خود، از نظر فکری و مالی کاملاً مستقل بودند و وابستگی به حکومت نداشتند.

به قدرت رسیدن رضاشاه و تأسیس حکومت پهلوی سبب شد سازوکارهای

۷. فخری قویمی. کارنامه زنان مشهور ایران در علم و ادب و سیاست و... از قبل از اسلام تا عصر حاضر. تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۵۲. صص ۱۳۲-۱۳۱.

۸. بدرالملوک بامداد، همان، نویسنده در بخش عمده‌ای از کتاب خود به معرفی هریک از این افراد می‌پردازد.

۹. پری شیخ‌الاسلامی. زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایران. بی‌جا، نگارنده، بی تا. صص ۸۷-۸۳.

۱۰. بدرالملوک بامداد، همان، صص ۴۸-۴۷.

۱۱. ژانت آفاری. انجمن‌های نیمه‌سری زنان در نهضت مشروطه. ترجمه دکتر جواد یوسفیان. بی‌جا، نشر بانو، ۱۳۷۷.



همه‌تأثیر کانون بانوان ایران شیخ و تعدادی از اعضای کانون بانوان ایران پس از کشف حجاب | ۷۲۵-۷۲۶ع

اجتماعی تغییرات عمده‌ای را پذیرا شوند. رضاشاه، در رأس سیاست‌های خود، طرح‌های دگرگون‌سازی فرهنگی را با تکیه بر الگوهای غربی اجرا کرد. این دگرگون‌سازی، نهادها و سازمانهایی را می‌طلبید تا بتوانند زمینه‌های تحقق یافتن آن طرح‌ها را در جامعه مذهبی ایران فراهم آورند.

جمعیت‌های زنان و مدارس دختران در این زمان کارآمدترین نهادهایی بودند که می‌توانستند در جامعه زنان مؤثر واقع شوند و اهداف دولت را جامعه عمل ببوشانند. به همین دلیل، تعداد انجمن‌های زنان روبه افزایش رفت.^{۱۲}

ترتیب دادن جشنهای مختلف در مدارس دختران و حضور مردان و زنان در آن جشنها، اجرای برنامه به توسط دختران بدون حجاب از اولین گامهای دگرگونیهای فرهنگی و به خصوص برداشتن حجاب زنان بود.^{۱۳}

علاوه بر برنامه‌های خاص دولت، فشارهای بین‌المللی نیز سبب می‌شد که حکومت جریان حجاب برداری را شتاب بخشد؛ به عنوان مثال، در دهم سپتامبر ۱۹۳۰م (هشتم شهریور ۱۳۰۹) در یازدهمین مجمع بین‌المللی سازمان ملل، «رفتار شرقیان با زنان» در دستور کار قرار گرفت و قانون تشکیل کمیسیونی از طرف جامعه ملل برای جلوگیری از تجاوز به حقوق زنان در شرق تصویب شد.^{۱۴} همچنین در سال ۱۳۱۱ ه.ش. در تالار وزارت فرهنگ مسعودیه، کنگره اتحاد زنان شرق، با حضور نمایندگان ۱۰ کشور، تشکیل شد. بررسی ترقیات روزافزون زنان اروپایی، محرومیت‌های زنان کشورهای اسلامی و لزوم اقدامات جدی از سوی زنان روشنفکر موضوعات مطرح شده در این کنگره بودند.^{۱۵}

چنین حرکت‌هایی سبب شد رضاشاه جریان تجددگرایی را پرشتاب‌تر کند. او، برای این منظور، از گروه‌های مختلف کمک گرفت. بسیاری از سیاسیون در بسیاری از روزنامه‌ها و مجلات در رد حجاب و نیز تجددخواهی مقاله می‌نوشتند؛^{۱۶} و جمعیت‌های زنان نیز از این‌گونه مطالب دفاع می‌کردند. به این ترتیب، حقوق اجتماعی زن ایرانی منحصر به برداشتن حجاب شد.

۱۲. عبدالحسین ناهید. زنان در جنبش مشروطه. تبریز، نشر احیا، ۱۳۶۰. ص ۱۱۳.

۱۳. ال‌بی‌ال‌ول ساتن. رضاشاه‌کیبر ایران نو. ترجمه عبدالعظیم صبوری. بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۲۵. ص ۳۷۷.

۱۴. مهدیقلی خان هدایت. خاطرات و خطرات. تهران، زوار، ۱۳۵۴. ص ۴۵۹.

۱۵. بدرالملوک بامداد، همان، ص ۶۰.

۱۶. ال‌ول ساتن، همان، صص ۳۲۴ و ۳۳۱.

در سال ۱۳۱۳ رضاشاه به ترکیه سفر کرد و با اقدامات آتاتورک آشنا شد. او پس از بازگشت از این سفر رسماً از علی‌اصغر حکمت خواست تا برای کشف حجاب برنامه‌ریزی کند.^{۱۷} با آغاز سال ۱۳۱۴ ه.ش برنامه‌های دولت برای کشف حجاب علنی‌تر شد. پس از تعطیلات نوروزی، ۳۰ تن از بانوان بدون حجاب در خیابانها ظاهر شدند و دولت از آنها حمایت کرد.^{۱۸} به منظور سازماندهی و یکپارچه کردن نیروهای زنان تجدد طلب در اردیبهشت ۱۳۱۴ ه.ش. کانون بانوان تأسیس شد. این نهاد به ریاست شمس پهلوی و با همکاری وزارت معارف آغاز به کار کرد. اهداف اصلی کانون در اساسنامه آن چنین ذکر شد:

۱. تربیت فکری و اخلاقی بانوان و تعلیم خانه‌داری و پرورش اطفال مطابق قواعد علمی به وسیله خطابه‌ها، نشریات، کلاسهای اکابر و غیره؛

۲. تشویق به ورزشهای مناسب برای تربیت جسمانی با رعایت اصول صحی؛

۳. ایجاد موسسات خیریه برای امداد به مادران بی‌بضاعت و اطفال بی‌سرپرست؛

۴. ترغیب به سادگی در زندگی و استعمال امته وطنی.^{۱۹}

اما مهم‌ترین هدف تأسیس کانون بانوان همکاری در زمینه‌سازی ترک حجاب بود

چنانکه بامداد، از اعضای هیئت مدیره کانون بانوان، می‌نویسد:

ضمن سایر اقدامات منظور اصلی یعنی ترک چادر سیاه متدرجاً پیشرفت می‌کرد به

این ترتیب که زنان عضو جمعیت با راضی کردن خانواده‌های خود یکی‌یکی به

برداشتن چادر مبادرت می‌نمودند.^{۲۰}

و چنین بود که کانون بانوان، از بدو تأسیس تا ۱۷ دی ۱۳۱۴ ه.ش، فعالیتهای فرهنگی

همه‌جانبه‌ای - از جمله ترتیب تظاهرات، نوشتن مقاله در مطبوعات و برگزاری مجالس

سخنرانی - انجام می‌داد. سرانجام، در ۱۷ دی ۱۳۱۴ طی مراسمی رضاشاه ترک

حجاب زنان ایران را رسماً اعلام کرد.^{۲۱} پس از کشف حجاب بسیاری از شوراها اروپایی

پیامهای تبریک برای شاه ایران فرستادند. حمایت خود را از وی اعلام کردند.^{۲۲}

شروع جنگ جهانی و پیامدهای آن در ایران، ورود نیروهای متفقین به ایران، تمایل

۱۷. علی‌اصغر حکمت. سی خاطره از عصر فرخنده پهلوی. تهران، وحید، ۱۳۵۵. ص ۸۸.

۱۸. سالنامه سازمان زنان ایران، سال ۱۳۴۵. ص ۳۴.

۱۹. بدرالملوک بامداد، همان، ص ۹۱.

۲۰. همان، ص ۸۹.

۲۱. همان، ص ۹۴.

۲۲. آرشیو وزارت امور خارجه، روابط بین‌الملل، سال ۱۳۱۵، شماره ۲۹۰۰۱۷۵۲.

رضاشاه به آلمان، و مجموعه عوامل دیگر سبب شد رضاشاه با دخالت نیروهای غربی به نفع پسرش از سلطنت کناره‌گیری کند. به همین دلیل بسیاری از طرحهای دولت رضاشاه متوقف شد. در اغلب شهرهای مذهبی بار دیگر مردم به حجاب روی آوردند. جمعیهایی مانند کانون بانوان، حزب زنان و جمعیت زنان و ... با انتشار مقالات سعی در حفظ مظاهر تجدد داشتند. برخی از جمعیهها، با دیدار خصوصی از سیاسیون، سعی در جلب حمایت آنان داشتند؛ اما از آنجا که حکومت جدید هنوز ثابت و استقرار لازم را به دست نیاورده بود از این حرکتها حمایتی نکرد.^{۲۳} در این دوران، جمعیههای زنان عمده‌ترین فعالیت خود را حول محور تشکیل کلاسهای سوادآموزی یا کمک به افراد بی‌بضاعت قرار دادند.

برخی از این جمعیهها عبارت بودند از: جمعیت پرورش کودک (۱۳۲۵هـ.ش)، انجمن مبارزه با بیسوادی زنان (۱۳۲۵هـ.ش)، انجمن معاونت عمومی زنان شهر تهران (۱۳۲۵هـ.ش)، جمعیت شیروخورشید بانوان (۱۳۲۸هـ.ش) و بسیاری جمعیههای دیگر. به علت تعدد جمعیههای زنان و نبود یک برنامه‌ریزی منظم هر یک از آنها در راستای برنامه‌های خاص خود در سطح بسیار محدود عمل می‌کردند. زمانی که بار دیگر تصمیم گرفته شد نیروی زنان در خدمت سیاستهای حکومت قرار گیرد، در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۸هـ.ش شورای عالی زنان، متشکل از ۱۸ جمعیت، آغاز به کار کرد و کلیه جمعیههای زنان تعطیل اعلام شد. ریاست این شورا به عهده اشرف پهلوی قرار گرفت.^{۲۴} دلیل اصلی تشکیل شورای عالی زنان مبارزه با بیسوادی اعلام شد؛ اما، در حقیقت، جمعیههای پراکنده با اهداف متفاوت در ارتباط با برنامه‌های وزارت فرهنگ قرار گرفتند.^{۲۵} تا عهده‌دار نقش جدیدی از سوی حکومت در جامعه شوند.

شورای عالی زنان در دهه ۱۳۵۰-۱۳۴۰ وظیفه هماهنگ سازی نقش زنان را با طرحهای جدید دولت پهلوی به عهده گرفت. مهم‌ترین وظیفه شورای عالی وارد کردن نیروی زنان در بازار کار بود، که در پی تحولات اقتصادی و اجتماعی حاصل از انقلاب سفید شاه باید به کارگرفته می‌شدند.^{۲۶} علاوه بر این، حضور زنان در بازار کار و

۲۳. آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، سال ۱۳۲۶، شماره ۱۳۲۳.

۲۴. مجله اطلاعات بانوان، س ۱۳۴۰، ش ۲۱۰، ص ۲.

۲۵. همان، س ۱۳۳۹، ش ۳۱۷، ص ۵؛ و نشریه سال بین‌المللی زن، انتشارات سازمان زنان ایران، ۱۹۲۵م، ص ۲۵۳.

۲۶. برای شکل‌گیری طبقات اجتماعی جدید نگاه کنید: به تئوری روستو در کتاب ظهور و سقوط پهلوی، ج ۲.

صحنه‌های اجتماعی و سیاسی می‌توانست نوعی تبلیغات برای طرح‌های آمریکایی شاه محسوب شود. به همین دلیل، شورای عالی زنان، بلافاصله پس از شکل‌گیری، در انتخابات محلی اصفهان به حمایت از یک کاندیدای زن پرداخت.^{۲۷} شورای عالی با استفاده از مطبوعات و جراید به ارائه الگوهای تجددخواهانه پرداخت. اغلب اعضای این شورا متعلق به طبقات مرفه سیاسی و فرهنگی بودند و پیشرفت آنان به کشف حجاب و تجددگرایی نسبت داده می‌شد.^{۲۸}

در شهریور ۱۳۳۹ شورای عالی زنان برای ایجاد زمینه‌های مناسب جهت شرکت زنان در انتخابات تظاهرات گسترده‌ای ترتیب دادند و افرادی از قبیل دشتی، تقی‌زاده، ابراهیم خواجه‌نوری، دکتر باستان، متین دفتری، دکتر جهان‌شاه صالح و سپهد امیراحمدی موافقت خود را با این امر اعلام کردند.^{۲۹}

اجرای برنامه‌های دولت در سال ۱۳۴۰ همزمان با دولت دکتر امینی شتاب بیشتری گرفت و پس از آن در دولت علم ادامه یافت. در شهریور ۱۳۴۱ لیدون جانسن، معاون رئیس جمهور آمریکا، به ایران سفر کرد و بر اجرای طرح‌های جدید تأکید نمود. دولت علم در مهرماه ۱۳۴۱ لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی را تصویب کرد.^{۳۰}

در این لایحه آمده بود: ۱. حذف قید مذهب اسلام از شرایط انتخاب نمایندگان مجلس و انتخاب‌کنندگان؛ ۲. حذف قید سوگند به قرآن برای اعضای منتخب انجمنها و نمایندگان مجلس؛ ۳. اعطای حق رأی و انتخاب شدن و عضویت در انجمنها به زنان. مخالفتهای روحانیون و مردم سبب شد در آذرماه ۱۳۴۱ این لایحه لغو شود. اما شورای عالی زنان، با حمایت تبلیغاتی مطبوعات، تظاهراتی ترتیب داد؛ و مقالات بسیاری در مطبوعات نوشته شد.^{۳۱} بیشترین تأکید شورای عالی زنان بر حق رأی زنان بود؛ به همین مناسبت، شورای عالی، جشنهای ۱۷ دی را نیز تحریم کرد.^{۳۲}

سرانجام، در ۱۹ دی ۱۳۴۱ اصول ششگانه شاه تحت عنوان انقلاب سفید اعلام و به معرض فراندوم گذاشته شد و چنین اعلام شد که اصول فوق مورد تأیید مردم قرار گرفت. اولین تبریک از سوی کشور آمریکا بود. شاه، یک ماه بعد از اعلام نتایج

۳۰۲ ص → ۲۷. سالنامه سازمان ایران، انتشارات سازمان زنان ایران، ۱۳۴۵، ص ۲۷.

۲۸. اطلاعات بانوان، سال س ۱۳۳۶، ش ۱۹-۶ و ۲۷-۴۳. ۲۹. همان، ش ۵۶-۵۳.

۳۰. محمود طلوعی، پدر و پسر، تهران، نشر علمی، ۱۳۷۲، صص ۷۲۳-۷۱۹.

۳۱. مجله اطلاعات بانوان، س ۱۳۴۲، ش ۳۲۷، ص ۴ و ش ۳۴۸، ص ۲ و شماره ۳۲۲، ص ۵.

۳۲. سند شماره ۲-۳۲۷-۱۱۵، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

رفراندوم، لزوم مشارکت زنان را در انتخابات آینده اعلام کرد و در روز نهم اسفند ۱۳۴۱ هیئت دولت شرکت زنان در انتخابات را تصویب نمود.^{۳۳} به این ترتیب، در انتخابات ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ مجلس شورای ملی شش زن وارد مجلس شدند و تمام آنان هدف خود را کمک برای اجرای لوایح ششگانه شاه اعلام کردند.^{۳۴}

در اواخر سال ۱۳۴۴ زمزمه‌های مخالفت با شورای عالی زنان از درون کادر شورا شنیده شد؛ به طوری که در آخرین کنگره سالانه شورای عالی زنان صراحتاً اعلام کردند شورای عالی زنان در شکل و هیئت سازمانی نیست که بتواند بنیاد خواسته شاه را در مورد تساوی حقوق زن و مرد تقویت کند؛ به همین دلیل، در ۱۳۴۵ شورای عالی زنان منحل اعلام شد و «سازمان زنان ایران» جایگزین آن گردید. ریاست سازمان بار دیگر به اشرف پهلوی سپرده شد و نیابت سازمان به فریده دیبا، پروین مؤید ثابتی عضو مؤسس و دبیر سازمان زنان شد، پوراندخت سلامی رئیس کمیته امور بین‌المللی سازمان و دبیر اتحادیه زنان حقوقدانان ایران، ماری شیبانی نیابت ریاست کمیته آموزش، فخرالسادات امین عضو شورای مرکزی سازمان، دکتر سیمین رجائی و مهناز افخمی در مقاطع مختلف دبیرکل سازمان، حوری زند مشاور و عبدالرضا انصاری نماینده تام‌الاختیار اشرف پهلوی در سازمان زنان بود. به این ترتیب، سازمان زنان، با استفاده از اعضای که به نحوی با حکومت در ارتباط بودند، به خصوص ریاست سازمان، کار خود را آغاز کرد.^{۳۵} ترکیب اعضای اصلی سازمان زنان نشان می‌داد که تنها نام این نهاد عوض شده و ماهیت آن چندان تفاوتی نکرده است.

جمعیت‌های عضو

سازمان زنان ایران مجموعه‌ای از جمعیت‌های زنان را که واجد شرایط و دارای فعالیت‌هایی در جهت اهداف سازمان بودند، به عضویت خود پذیرفت.^{۳۶} عضویت این جمعیت‌ها به پیشنهاد دبیرکل و تصویب شورا انجام می‌گرفت. این جمعیت‌ها، به تناسب نمایندگان خود در مجمع عمومی، مبلغی می‌پرداختند.^{۳۷} برخی از این جمعیت‌ها

۳۳. طلوعی، همان، ص ۷۲۵. ۳۴. مجله اطلاعات بانوان، س ۱۳۴۲، ش ۳۳۳.

۳۵. نقش زن در فرهنگ در تمدن ایران. انتشارات سازمان زنان ایران، صص ۶۵، ۱۰۰، ۱۵۰، ۱۸۴، ۲۶۲، و موه بزوهش و مطالعات فرهنگی، سند شماره ۱-۲۲۳-۱۱۱.

۳۶. زن ایرانی از شالیزار تا وزارت، ص ۴۰.

۳۷. اساسنامه سازمان زنان ایران، مصوب ۱۳۴۷، ماده سوم تا پنجم.



سازمان زنان ایران؛ فریده دیا، مهناز النخی و پروین مؤیدنابقی | ۱۳۳-۱۳۵م

عبارت‌اند از: جمعیت راه نو، جمعیت بیداری زنان، جمعیت بانوان تهران پارس، جمعیت زنان صاحب شغل و حرفه، جمعیت صلح نو، جمعیت شورای زنان، جمعیت بانوان هاتف، جمعیت بانوان و دوشیزگان، جمعیت زنان زرتشتی، جمعیت بانوان ارت، جمعیت ماماهاى ایران، جمعیت زنان آشوری و کلدانی، انجمن معاونت زنان شهر تهران، انجمن زنان و دختران نارمک، جمعیت حمایت از زنان بی‌پناه، جمعیت حمایت از مستمندان و کهنسالان، جمعیت پرستاران ایران، جمعیت کل خیریه ارامنه، انجمن فارغ‌التحصیلان مدرسه آمریکایی، جمعیت بانوان پزشک، جمعیت حرفه و فن، جمعیت بانوان فرهنگی، سازمان بانوان یهود، جمعیت زنان خانه‌دار، جمعیت زنان مهندس و پژوهشگر، کلوب زونتای ایران، انجمن بهداشتکاران دهان و دندان^{۳۸} و...

ارکان اجرایی

در پیش‌بینی واحدهای اجرایی سازمان دستگاه عریض و طویلی گنجانده شد تا با نام سازمان زنان ایران مطابقت داشته باشد؛ زیرا سازمان زنان عهده‌دار وظایف جدیدتری نیز شده بود و آن گام نهادن در صحنه روابط خارج از مرزهای ایران و شرکت در طرحهای تبلیغاتی حکومت در میان کشورهای منطقه بود تا زن ایرانی را به عنوان الگوی زن از بند رسته در نتیجه انقلاب شاه و طرحهای آمریکایی معرفی کند. به این ترتیب سه واحد اداری اصلی در نظر گرفته شد:

۱. مجمع عمومی ۲. شورای مرکزی ۳. دبیرخانه مرکزی
۱. مجمع عمومی بخش اصلی مدیریت و برنامه‌ریزی سازمان را برعهده داشت. اعضای آن به پیشنهاد دبیرکل و تصویب شورای مرکزی انتخاب می‌شدند.^{۳۹} مجمع عمومی دارای پنج عضو انتخابی بود که شورای مرکزی آنها را از میان اعضای سازمان انتخاب می‌کرد. اولین جلسه مجمع عمومی سازمان در ۲۸ آبان ۱۳۴۵ هـ.ش تشکیل شد.
۲. شورای مرکزی مرکب از یازده عضو بود که رئیس و نایب رئیس آن در اولین جلسه شورا با رأی مخفی انتخاب می‌شدند. وظایف شورا در اساسنامه به تفصیل ذکر شده است.^{۴۰}

۳۸. کارنامه سازمان زنان ایران، اسفند ۱۳۵۶.

۳۹. اساسنامه سازمان زنان ایران، مصوب ۱۳۴۵.

۴۰. اساسنامه سازمان زنان ایران، ۱۳۵۲، ص ۱۰.

۳. دبیرخانه مرکزی رکن اجرایی سازمان بود، و از دبیرکل و کارکنانی تشکیل می‌شد که برای اجرای کارها از طرف دبیرکل ضروری تشخیص داده می‌شدند. تعداد آنها بستگی به وسعت جغرافیایی منطقه و جمعیت و تعداد مراکز رفاه داشت. ^{۴۱} دبیرکل را ریاست عالی سازمان انتخاب می‌کرد. فعالیتهای اداری دبیرخانه در چهارواحد ۱. کارگزینی، ۲. روابط عمومی، ۳. امور شعب، ۴. بایگانی انجام داده می‌شد. ^{۴۲}

موضوع قابل توجه این است که اگرچه در اساسنامه و برنامه کاری سازمان یک دستگاه عریض و طویل اداری پیش‌بینی شده بود؛ اما گزارش عملکردی از آن وجود ندارد؛ به خصوص شعب سازمان، که به استانها و شهرستانهای متعدد تعلق داشت، اغلب در اماکن استیجاری و به حالت نیمه‌تعطیل بود. ^{۴۳}

کمیته‌های نه‌گانه تحقیق

این کمیته‌ها واحدهای دیگری بودند که وظیفه ارائه طرحهای تخصصی لازم برای خدمات رفاهی سازمان را به عهده داشتند. اما از آنجا که برنامه‌ریزیهای سازمان بیشتر درباره فعالیتهای تبلیغاتی بود تا تحقیقاتی و اجرایی، بیشتر این کمیته‌ها یا بدون افراد متخصص بودند یا به حالت نیمه تعطیل اداره می‌شدند به طوری که حتی در گزارشهای سالانه سازمان تعداد انگشت‌شماری از این طرحها معرفی می‌شد.

این کمیته‌ها عبارت بودند از:

۱. کمیته حقوقی، ۲. کمیته آموزش، ۳. کمیته بهداشت، ۴. کمیته زنان شاغل، ۵. کمیته فرهنگ و هنر، ۶. کمیته امور بین الملل، ۷. کمیته مطالعات جمعیت شناسی، ۸. کمیته امور دختران دانشجو، ۹. کمیته روابط عمومی و انتشارات. ^{۴۴}

برای اجرای طرحها و برنامه‌های کمیته‌های تحقیق ساختمانهایی لازم بود؛ به همین دلیل، برنامه ساخت پنجاه خانه زن در پنجاه شهر ایران از سال ۱۳۴۹ در نظر گرفته شد و در سال ۱۳۵۰ به اتمام رسید؛ ^{۴۵} حتی با وجود این ساختمانها آنچه در برنامه‌ریزیهای سازمان پیش‌بینی شده بود به وقوع نپیوست؛ زیرا بودجه لازم برای تهیه امکانات

۴۱. همان جا، س ۱۳۴۵، ص ۸.

۴۲. گزارش فعالیتهای سازمان زنان ایران، ۱۳۵۵، ص ۲۲. همان.

۴۴. سازمان اسناد ملی ایران، روزنامه‌خبرگزاری پارس، ش ۲۴۴۸، س ۱۳۴۸؛ و زن ایرانی از شالیزاد تا وزارت، ص ۲۴.

۴۵. روزنامه مهر ایران، س ۱۳۴۹، ش ۲۷۴۹.

گروه‌های تحقیقی وجود نداشت. اگرچه این بودجه در منابع مالی سازمان پیش‌بینی شده بود ولی بیشترین مبالغ آن صرف تبلیغات و هزینه سفرهای اعضای اصلی سازمان می‌شد.

فعالیت‌های خدماتی و رفاهی

مراکز رفاه خانواده

فعالیت این مراکز شامل بهداشت و تنظیم خانواده، مشاوره خانواده و امور حقوقی، مهد کودک و آموزش بود که بیشتر در سطح طبقات کم درآمد انجام می‌گرفت. فعالیت‌های مددکاری بیشتر در زمینه کمک به خانواده‌های زندانیان و بیماران نیازمند، کمک به زلزله‌زدگان و تأمین رفاه دختران دانشجو و خانواده‌های بی‌سرپرست بود؛ اما بودجه و امکانات آن چنان اندک و ناچیز بود که عملاً ارائه خدمات را غیرممکن می‌کرد. اگر در بعضی موارد برخی از اعضا می‌خواستند خدمتی انجام دهند مجبور بودند در بدترین شرایط این کار را انجام دهند؛ به طوری که برخی از زنان حقوقدان مشاوره‌های حقوقی را با زنان جنوب شهر تهران ترتیب دادند که این کار در باجه‌های روزنامه‌فروشی انجام می‌گرفت و از امکانات سازمان خبری نبود.^{۴۶}

حتی برای تأمین نیروی مراکز، آموزشگاه مددکاری سازمان زنان ایران تأسیس شد و قرار بود فارغ‌التحصیلان آن در مراکز رفاه به خدمت گرفته شوند. اما بیشترین فعالیت‌های آنان شرکت در سمینارها و جشنهای سازمان،^{۴۷} به خصوص جشنهای ۱۷ دی، یا ارائه فعالیت‌های تبلیغاتی در میان زنان جنوب شهر به منظور جلب مشارکت در انتخابات بود.

فعالیت‌های آموزشی

مهم‌ترین طرح آموزشی سازمان، طرح سوادآموزی تابعی بود. این طرح از طرح‌های اصلی سازمان ملل بود و هدف آن آموختن، چیزی بیش از خواندن و نوشتن و حساب کردن و سوادآموزی بود. به عبارتی، انسانگرایی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در مفاهیم آموزشی این سیستم نهفته بود.^{۴۸} در لغت، سوادآموزی تابعی یعنی تبعیت کردن سوادآموزی از اهداف دیگری سواي خواندن و نوشتن مصطلح شد.

۴۶. گزارش سالیانه سازمان زنان ایران، ۱۳۵۵-۱۳۵۴، ص ۹۲. ۴۷. همان، صص ۷۹-۷۸.

۴۸. پرویز همایون پور. گزارش نهایی طرح تجری سوادآموزی تابعی در خدمت پیشرفت اجتماعی و اقتصادی زنان روستایی. انتشارات سازمان زنان ایران، ۱۳۵۴، ص ۱۲.



سازمان زنان ایران؛ علی‌ابادی، امیرعباس هویدا، عطاءالله خسروانی، فریده دنیا و اشرف پهلوی | ۲۲۳۵-۲۲۳۶ |

به منظور تدوین واحدهای درسی، یک گروه تحقیق تشکیل شد که هدف آن جمع‌آوری اطلاعات درباره زندگی زنان روستایی ایران؛ از جمله وضع تغذیه، بهداشت، هنرهای دستی، وضعیت فکری، روانی و نوع جهان‌بینی آنان بود.^{۴۹} با نگاه مختصری به اهداف گروه‌های تحقیق نیز روشن می‌شود تنها سواد مدنظر برنامه‌ریزان نبوده آنان تغییرات بنیادی فکری زنان را خواستار بودند؛ اما با وجود حمایت سازمان جهانی مبارزه با بیسوادی، این طرح نیز با عدم کارایی مواجه شد و به مرحله اجرا نرسید.

موانع و مشکلات طرح سوادآموزی تابعی:

بیشترین موانع و مشکلات به ماهیت وجودی سازمان برمی‌گشت، در زمینه فعالیتهای اجرایی، کمبود امکانات به چشم می‌خورد؛ از جمله کمبود فضای آموزشی، کمبود مربی، نبودن آمار و اطلاعات دقیق، مجهز نبودن گروه‌ها به امکانات چاپ و نشر، نپرداختن کارمزد کارکنان و هزینه‌های جاری، کندی در اتخاذ تصمیمهای اداری (دیوانسالاری). علاوه بر این، در مرحله اجرای طرح نیز موانع و مشکلات بسیاری وجود داشت. کمبود دوره کارآموزی مربیان، وجود گروه‌های ناهمگن در کلاسها، تشکیل نامرتب کلاسها، بخصوص زمانی که معلمان بومی نبودند، مخالفت شوهران، ناهمگونی زبانهای محلی و بومیان منطقه با مطالب درسی و معلمان.^{۵۰}

برنامه‌های آموزشی کوتاه مدت نیز در برخی شعب سازمان انجام می‌گرفت؛ مانند آموزش خیاطی، زبان انگلیسی، ماشین نویسی، رقص و غیره.

عدم کارایی واحدهای مختلف سازمان چنان مشخص بود که مهناز افخمی بسیاری از این کمبودها را به رشته تحریر درآورد. وی در جزوه‌ای که آن را سازمان منتشر کرد چنین می‌نویسد: با وجود همه برنامه‌های فوق، سازمان زنان در عمل کارایی چندانی نداشت؛ به خصوص شعب شهرستان و استان، با توجه به پراکندگی قومی و منطقه‌ای، در شهرها و مناطق مختلف به صورت متفرق و پراکنده ایجاد شد؛ اما نیروی متخصص و کارآمد نسبت به تعداد شعب وجود نداشت و سازمان مرکزی پایتخت نمی‌توانست این پراکندگی را تحت نظارت درآورد.^{۵۱} علاوه بر این، سیستم اطلاعات و آمار دقیق در

۴۹. مهناز افخمی.

۵۰. همان، ص ۷۱.

۵۱. مهناز افخمی. پیشنهادهای اصلاحی درباره تشکلات سازمان زنان ایران. تهران، انتشارات سازمان زنان ایران، بی تا. ص ۱۴.

سازمان وجود نداشت و حتی تا تشکیل کمیته‌های تحقیق این امر محقق نشد. به همین دلیل، برنامه‌ریزیها برای یک زندگی شهری در نظر گرفته شد که در الگوهای متفاوت زندگی روستایی و ایلی کارآیی نداشت.^{۵۲}

در مورد مراکز رفاه نیز عدم کارآیی محسوس بود. فعالیتهای مراکز رفاه زیر نظر یک فرد موظف و تعداد محدودی از کارکنان وابسته به سازمان انجام می‌شد؛ با توجه به تعداد کم این افراد، از افراد داوطلب کمک گرفته می‌شد که تعداد آنها نیز محدود بود، و همین محدودیت سبب می‌شد فعالیتهای رفاهی در سطح بسیار کم انجام گیرد، که این امر با وظایف چندگانه مراکز رفاه هماهنگی نداشت.^{۵۳} بسیاری از زنان در شهرها و روستاهای مختلف حتی از وجود سازمان اطلاعی نداشتند.^{۵۴}

فعالتهای تبلیغاتی

سازمان زنان ایران، که بازوی اجرایی برنامه‌های فرهنگی حکومت در میان زنان ایران بود، وظیفه داشت زن ایرانی را نمونه تمدن یافته زن شرقی معرفی کند. بیشترین بودجه و سرمایه خود را در برنامه‌های تبلیغی به خدمت گرفت. این فعالتهای، از طریق چاپ و نشر کتاب و عکس گرفته تا تهیه فیلم برای رسانه‌ها، صورت می‌گرفت. تشکیل سمینارها و جلسات سخنرانیهای عمومی در ارتباط با نقش جدید زن ایرانی، تدوین برنامه‌های رادیو تلویزیون در راستای فعالیتهای سازمان، دیدوبازدیدهای فردی یا جمعی، داخلی و خارجی، به خصوص با حمایتهای زنان کشورهای دیگر، ترتیب نمایشگاههای فصلی یا موضوعی، شرکت گسترده در جشنهای ۲۵۰۰ ساله، تهیه پوسترهای تبلیغاتی، شرکت در نمایشگاههای داخلی و بین‌المللی عکس با عنوان نقش جدید زن ایرانی.^{۵۵}

انتشار هفت شماره ماهنامه تحت عنوان زن دانا که در آن نقشهای زنان در دوران پهلوی تبلیغ شده است، همگی نشان دهنده تمرکز سرمایه و نیروی انسانی در این واحد است.

۵۲. بررسی گزارشهای دوسالانه سازمان زنان ایران. انتشارات سازمان زنان ایران، بی تا، ص ۲۰.

۵۳. روزنامه پست تهران، س ۱۳۴۸، ش ۴۸۷.

۵۴. منزلت زن در اجتماع عشایری. کتابخانه ملی ایران، ص ۲۱.

۵۵. آرشیو وزارت امور خارجه، سازمان زنان ایران، سال ۱۳۵۱، ردیف ۲۵۳.

سازمان زنان ایران و روابط برون مرزی

عملکرد سازمان در خارج از ایران در راستای سیاستهای حکومت قرار داشت و با تمام کشورهایی که منافع سیاسی دولت اقتضا می‌کرد و یا مطابق برنامه‌های آمریکایی، ایران موظف بود به این کشورها کمک اقتصادی کند و زن ایرانی را به عنوان الگوی غربی شده ارائه دهد، سازمان زنان ارتباطات گسترده‌ای برقرار می‌ساخت. به عنوان مثال، در کنار پیمان همکاری عمران منطقه‌ای بین سه کشور ترکیه، ایران و پاکستان (RCD)، سازمان زنان کمیته فرعی مربوط به همکاری عمران منطقه‌ای را تشکیل داد. رابطه تگاتنگی با دو کشور مذکور از طریق ارتباط با جمعیت‌های زنان در این دو کشور به وجود آورد.^{۵۶} از این طریق کمک‌های اقتصادی فراوانی به دو کشور مذکور ارائه داد که در گزارش‌های سالیانه سازمان نیز ذکر شد. همچنین سازمان زنان با جمعیت‌های زنان در کشور اسرائیل همکاری داشت. شرکت در سمینارها، بازدید از مراکز رفاهی زنان در این کشور از جمله این ارتباطها بود.^{۵۷} ارتباط با سازمانها و جمعیت‌های آمریکایی از دیگر فعالیت‌های سازمان بود. علاوه بر این، عملکرد سازمان در برخی از جراید و مطبوعات آمریکایی به طور گسترده‌ای تبلیغ شد.^{۵۸}

۱۰۴

سازمان زنان در سازمان ملل نیز حضور مستمر و پیگیری داشت. در کمیسیون‌های مقام زن، اشرف پهلوی به عنوان رئیس سازمان زنان از طرف دولت ایران حضور می‌یافت، و چنین تبلیغ می‌شد که در ایران بیسوادی ریشه‌کن شده و فقر از میان رفته است. سازمان زنان، در اغلب سمینارها و جلسات عمومی با جمعیت‌های کشورهای دیگر، بیشترین تبلیغ را به مبارزه با بیسوادی در قالب طرح‌های انقلاب سفید اختصاص می‌داد و همچنین در اغلب طرح‌های تحقیقاتی سازمان ملل شرکت فعالانه‌ای داشت.^{۵۹} کمک مالی سازمان زنان به کشورهای مختلف تحت عنوان زنان نیز بسیار زیاد بود؛ به عنوان مثال، در سال ۱۳۵۴ مبلغ ۵۰۰ هزار دلار به صندوق ملل متحد برای سال زن، ۵۰۰ هزار دلار به مرکز آسیایی، ۱,۰۰۰,۰۰۰ دلار بابت مخارج اولیه تأسیس مرکز بین‌المللی تحقیق زنان و ۱۵,۰۰۰ دلار برای مخارج سمینار زن و توسعه پرداخت کرد.^{۶۰}

۵۶. وزارت امور خارجه، اسناد سال ۱۳۴۳، گزارش امور مالی و اداری سازمان زنان ایران.

۵۷. گزارش سالیانه سازمان زنان ایران، سال ۱۳۵۴ و ۱۳۵۳. ۵۸. همان.

۵۹. آرشیو وزارت امور خارجه، اسناد سازمان‌های بین‌المللی سالهای ۱۳۵۱-۱۳۴۹. کمیسیون مقام زن ردیف ۷.

۶۰. گزارش امور مالی و اداری، سازمان زنان ایران، سال ۱۳۵۲-۱۳۵۳، صص ۳۴-۳۳.

ماهیت سیاسی سازمان زنان

در بررسی سازه‌های سازمان زنان، نقش ریاست سازمان می‌تواند نشانه محکمی بر ماهیت وجودی سازمان باشد که از ابتدا این مقام به اشرف پهلوی سپرده شد. این امر نشانه آن بود که حکومت کاملاً سازمان را در اختیار خود دارد. اشرف، که همواره در صدد تحکیم و ازدیاد قدرت شخصی خود بود، در درجه اول از وجود سازمان در جهت این هدف خود سود می‌برد.^{۶۱} زنانی که در رأس سازمان قرار می‌گرفتند تبدیل به ابزارهای جدیدی برای اشرف می‌شدند. او به منظور بسط قدرت شخصی خود، درصدد بود در انتخابات اوایل سال ۱۳۲۵ تعدادی از زنان عضو شورای عالی را به کاندیداتوری مجلس بگمارد؛ ولی این برنامه هنوز در سیاست‌های شاه نبود، به همین دلیل، شاه او را به اروپا فرستاد. خواسته اصلی اشرف آن بود که زنان منتخب مجری خواسته‌های او باشند.^{۶۲} سرانجام، در بیست و یکمین دوره مجلس این گروه از زنان وارد مجلس شدند که در حقیقت نماینده سیاسی زنان از طبقات بالای اجتماع بودند. در بیست و سومین دوره مجلس نیز زنانی وارد مجلس شدند که سابقه معاونت وزیر یا مشاور نداشتند و تنها یک روز قبل از انتخابات برای هر کدام حکم معاونت زده شد.^{۶۳} که به شکل بارزی زیریا گذاشتن قانون بود و نشان می‌داد این افراد، اشخاصی از قبل تعیین شده بودند.

۱۰۵

یکی از قابل توجه‌ترین مسائل در مورد سازمان زنان ایران سفرهای پرهزینه و تشریفاتی اشرف پهلوی به کشورهای مختلف با سمت ریاست عالی سازمان زنان ایران بود هزینه این سفرها اغلب از محل بودجه سازمان زنان ایران تأمین می‌شد، ولی با هدف سودجویی بیشتر رئیس سازمان، اشرف پهلوی، طی درخواست مستقیم به بهانه کمبود بودجه، اعتباراتی نیز از برادرش محمدرضا درخواست کرد. نمونه‌ای از این درخواستها درخواست تأمین هزینه ۵۰۰,۰۰۰ دلاری مسافرت اشرف پهلوی به نیویورک و مکزیک است که شاه، با وجود موافقت با پرداخت وجه مذکور، متذکر می‌شود که «البته این مبلغ به نظر زیاد می‌آید مگر هر کنفرانس چندروز طول می‌کشد»^{۶۴} این نمونه نشانه بارزی از

۶۱. مجموعه اسناد لانه جاسوسی (از ظهور تا سقوط). تهران، مرکز نشر اسناد لانه جاسوسی آمریکا، بی‌تا.

صص ۱۰۸-۱۰۹. ۶۲. محمود طلوعی، همان، صص ۱۸۳-۱۸۲ و ۱۰۹-۱۰۸.

۶۳. باقر عاقلی، نخست‌وزیران ایران، تهران، جاویدان، ۱۳۷۰.

۶۴. مرکز اسناد مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سند شماره ۱۶۶.۲ و ۱۶۶/۱.

اختصاص بودجه‌های هنگفت برای سفرهای ریاست سازمان یا مأموران عالی رتبه آن است که با اهداف رفاهی سازمان و شعار پیشبرد زندگی اجتماعی زنان فاصله زیادی داشت.

برخی از سفرهای اشرف پهلوی با سمت ریاست عالی سازمان زنان ایران عبارت بود از: سفر به کره و چین در اردیبهشت سال ۱۳۵۴ به منظور دیدار با رئیس جمهور کره و نخست وزیر چین، سفر به مکزیک به دعوت رئیس جمهور این کشور در خرداد سال ۱۳۵۴، سفر به پاکستان در دی ماه ۱۳۵۳ به دعوت نخست وزیر این کشور. علاوه بر اینها، اشرف پهلوی، در رأس هیئتهای نمایندگی سازمان، مسافرت‌های متعددی به کشورهای مختلف داشت از جمله:

- کنفرانس بین المللی جمعیت در سال ۱۳۵۳، شرکت در بیست و نهمین اجلاس سازمان ملل متحد در سال ۱۳۵۳ در نیویورک، شرکت در جلسه سالگرد اعلامیه حقوق بشر در مقر سازمان ملل در سال ۱۳۵۳. مسافرت‌های دائمی اشرف پهلوی به سمت ریاست سازمان زنان به نیویورک جزو برنامه‌های دائمی وی بود؛^{۶۵} شاید به دلیل همین مخارج گزاف بسیاری از شعب سازمان زنان ایران تعطیل و متروک بودند.

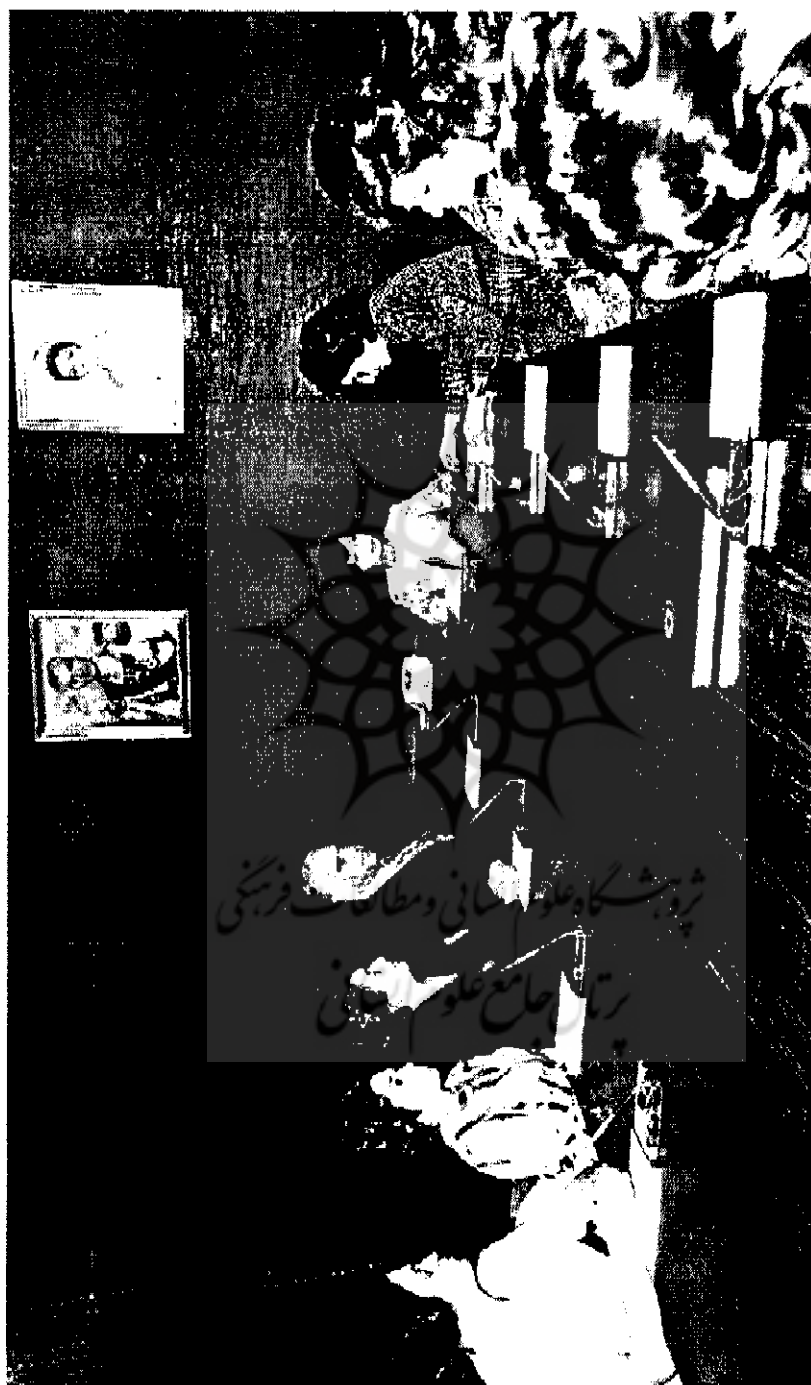
ارتباط با حزب رستاخیز

رابطه نزدیک سازمان زنان با حزب رستاخیز از وجوه برجسته فعالیت‌های سازمان محسوب می‌شد. مهناز افخمی، دبیرکل سازمان زنان ایران؛ هما روحی، عضو شورای مرکزی سازمان زنان ایران؛ لیلی امیرارجمند، مهین هاشمی نژاد، زرین تاج بیداد، مرضیه صاحبی از اعضای عالی‌رتبه سازمان زنان ایران به عضویت هیئت اجرایی حزب رستاخیز درآمده بودند. همچنین مهناز افخمی و لیلی امیرارجمند عضو رسمی دفتر سیاسی حزب رستاخیز شده بودند.

۵۸۱ نفر از کارمندان و اعضای دبیرخانه در مراکز رفاه خانواده سازمان زنان طی تلگرافی در سال ۱۳۵۳ همبستگی خود را با جناح، به اصطلاح، ترقیخواه! حزب رستاخیز ایران اعلام کردند. در همان سال، مراکز رفاه و شعب سازمان در سراسر ایران برای تشکیل کانونهای حزب شرکت فعال کردند.

در شهریور ۱۳۵۴ در محل مراکز رفاه شماره ۳ سازمان زنان، جلساتی با حضور قائم

۶۵. گزارش فعالیت‌های سازمان زنان ایران، سال ۱۳۵۳.



جلسه شورای مرکزی سازمان زنان ایران: اشرف بهلوی، عبدالرضا انصاری، مهناز انصاری [۷۵۹-۷۵۳ ق]

مقام دبیرکل حزب رستاخیز ایران و نمایندگان سازمان زنان تشکیل شد، در این جلسات اهداف حزب رستاخیز توجیه شد و سیاستهای هماهنگ‌سازی بین سازمان زنان ایران و حزب رستاخیز برنامه‌ریزی گردید.

به این ترتیب سازمان زنان ایران، که در بدو تأسیس داعیه زمینه‌سازی رفاه اجتماعی و ترقی فرهنگی زنان ایران را داشت، بخش اعظم نیرو و سرمایه خود را صرف برنامه‌های صرفاً سیاسی و تبلیغاتی نمود.

آمار کانونهای حزبی تشکیل شده در مراکز رفاه و شعب سازمان زنان ایران
از گزارش سالانه سازمان زنان ایران (۱۳۵۴-۱۳۵۳)

محل	تعداد
تهران	۴
همدان	۹
آذربایجان شرقی	۲۱
بوشهر	۵
استان ساحلی	۲
آذربایجان غربی	۱
کرمانشاهان و ایلام	۵
چهارمحال و بختیاری	۳
مازندران	۱۲
خراسان	۴
زنجان	۱
سیستان و بلوچستان	۳
گیلان	۲
اصفهان	۵
لرستان	۲